

The influence of the Armenian issue and the asylum of the Parthian and Roman nobles in the geographical conflicts between Iran and Rome

Huriyeh Kian Pishesh¹

Received: 1 September 2025

Ahmad Kamranifar*²

Reception: 3 June 2025

Feyzollah Boushasb Goshe³

Abstract

The Parthians were a race of Aryan clans that were related to the "Perni" or "Perni" from the point of view of tribal organization. Under the command of their leader Arshak (۲۱۷-۲۴۷ BC), the Perinis reached Astaine, which is probably the Atrak region, around 250 BC, and Arshak was elected king a little later in ۲۴۷ BC in Asak, a city in Astaine. In the foreign arena and in the military confrontations between the two superpowers of the time, the Romans tasted defeat many times. Despite this, the Romans penetrated deep into the Ashkanian territory several times. Finally, in 224 AD, Ardeshir Sasanian delivered the last major blow to the body of Ashkani kingdom, and the Sasanian kingdom was about to become the Roman Empire. This article is descriptive and analytical and has been made using the library method with the aim of investigating the influence of neighbors and peripheral tribes of Iran on family disputes during the Parthian period. This article examines the mentioned topic. The findings indicate that during the Parthian period, neighbors such as the Roman Empire, with internal influence on the Iranian court, used the court's family disputes for their own benefit, which was effective in weakening the power of the Parthian kings. And finally, Ardeshir Sassanid in the Pars state was able to bring about the fall of the Parthians in 224 AD.

Keywords: fall of the Parthian dynasty, family disputes, neighbors, Parthians, peripheral tribes of Iran.

¹ PhD student, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

² Assistant Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

³ Assistant Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.476402.1065>

تأثیر مسئله ارمنستان و پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی در

مناقشات جغرافیایی ایران و روم

حوربه کیان پیشه^۱ ID تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

احمد کامرانی فر^۲ ID تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

فیض الله بوشاسب گوشه^۳ ID

چکیده

اشکانیان از طوایف آریایی نژادی بودند که از نظر سازمان قبیله‌ای با «پرنی‌ها» یا «پرنی‌ها» پیوستگی داشتند. پرنی‌ها با فرماندهی سرکرده خود آرشک (۲۴۷-۲۱۷ پ.م)، در حدود ۲۵۰ پیش از میلاد بر آستانه یعنی احتمالاً منطقه اترک دست یافتند و آرشک کمی بعد در ۲۴۷ پیش از میلاد در آساک شهری در آستانه به شاهی برگزیده شد. در عرصه خارجی و در رویارویی‌های نظامی دو ابرقدرت زمان نیز، رومیان بارها طعم شکست را چشیدند. با وجود این، رومیان نیز چندین بار تا عمق قلمرو اشکانیان نفوذ کردند. سرانجام اردشیر ساسانی در ۲۲۴ میلادی آخرین ضربه اساسی را بر پیکر پادشاهی اشکانی وارد آورد و پادشاهی ساسانی میرفت که هم‌اورد تاره رومیان گردد. این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای با هدف بررسی تأثیر همسایگان و اقوام پیرامونی ایران بر اختلافات خانوادگی در زمان اشکانیان صورت پذیرفته است. مقاله حاضر به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در زمان اشکانیان، همسایگانی چون امپراتوری روم، با نفوذ داخلی به دربار ایران، از اختلافات خانوادگی دربار، به نفع خود بهره‌برداری می‌کردند که همین امر در تضعیف قدرت شاهان اشکانی تأثیرگذار بود. و در نهایت اردشیر ساسانی در ایالت پارس توانست سقوط اشکانیان در سال ۲۲۴ میلادی را رقم بزند.

کلیدواژه‌ها: اختلافات خانوادگی، اشکانیان، اقوام پیرامونی ایران، سقوط سلسله اشکانی، همسایگان.

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۱- مقدمه

پس از براندازی حکومت هخامنشیان توسط اسکندر و حکومت کوتاه مدت وی و جانشینانش، سلسله ای از شرق ایران قد برافراشت و پرچم اقتدار را به دست گرفت که به رسم دیگر سلسله های ایران، به نام بنیان گذارشان نامگذاری شد. اشکانیان به واسطه زندگی بیابانی و استفاده از خدنگ پهلوانی، توانستند یکی پس از دیگری سرزمین های ایرانی را فتح و تصرف کنند. بنا به گفته مورخان، نجبا در تعیین شاهان اشکانی از قدرت زیادی برخوردار بودند و برای عزل و نصب شاهان حتی از کمک گرفتن از بیگانگان نیز دریغ نمی کردند. در سراسر تاریخ پادشاهی پارتیان «تقریباً در زمان تغییر هر پادشاه جنگ داخلی ایجاد می شد و بسیاری از مدعیان خود را شاه می خواندند... شاهانی که از تاج و تخت محروم می شدند گاه به بدویان پناه می بردند و گاه به رومیان که در موقع مقتضی با لژیون های خود ایشان را یاری میکردند.» (گیرشمن، ۱۳۸۵: ۳۱۴) هر چند برای به دست گرفتن قدرت و رسیدن به مقام پادشاهی قوانینی وضع شده بود، اما جنگ و جدال بر سر جانشینی و ولیعهدی همچنان ادامه داشت و در این بین نقش گروه های پر نفوذی چون اشراف و نجبا، همسایگان ایران و حتی زنان درباری و موبدان از همه پر رنگ تر بود، صد البته همه آنها تنها و تنها به منفعت خویش بیشتر می اندیشیدند تا به مصلحت کشور (ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

سوال اصلی

۱- مسئله ارمنستان و پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی چه تاثیری در مناقشات جغرافیایی ایران و روم داشت؟

سوالات فرعی

- ۱- مسئله ارمنستان چه تاثیری در مناقشات جغرافیایی ایران و روم داشت؟
- ۲- مسئله پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی چه تاثیری در مناقشات جغرافیایی ایران و روم داشت؟

فرضیه اصلی

۱- به نظر می رسد مسئله ارمنستان و پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی چه تاثیری در مناقشات جغرافیایی ایران و روم تاثیر گذار بوده است.

فرضیات فرعی

- ۱- به نظر می رسد مسئله ارمنستان در مناقشات جغرافیایی ایران و روم تاثیر گذار بوده است.

۲- به نظر می‌رسد پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی چه تاثیری در مناقشات جغرافیایی ایران و روم تاثیر گذار بوده است.

هدف اصلی

۱- بررسی تأثیر مسئله ارمنستان و پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی در مناقشات جغرافیایی ایران و روم.

اهداف فرعی

۱- بررسی تأثیر مسئله ارمنستان در مناقشات جغرافیایی ایران و روم.
 ۲- بررسی تأثیر مسئله پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی در مناقشات جغرافیایی ایران و روم.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف در ردیف تحقیقات بنیادی و از نظر ماهیت و روش کار جزو تحقیقات تاریخی به حساب می‌آید. جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته است و از آنجا که محور اصلی مقاله بر ایران باستان استوار بوده است، منابع آن نیز کتاب‌های اصلی و تحقیقاتی مربوط به این بود. پس از فیش برداری بر اساس موضوع اولیه مرحله نگارش آن به شیوه توصیفی-تحلیلی به انجام رسید. در این مرحله ابتدا حادثه تاریخی که تأثیر مسئله ارمنستان و پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی در مناقشات جغرافیایی ایران و روم، توصیف شده و در خلال آن تحلیل و کالبد شکافی موضوع نیز انجام شد.

۳- پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام شده در منابع فارسی چاپ شده در ایران و با مراجعه به کتابخانه‌های در دسترس عنوانی دقیقاً منطبق موضوع این پژوهش یافت نشده، اما در پاره‌ای از کتب تحقیقاتی در حوزه‌های مختلف اشکانیان به اختصار، به موضوع این پژوهش اشاره شده است از جمله: ورستاندینگ، آندره (۱۳۸۶)، تاریخ امپراتوری اشکانیان، این کتاب که در پانزده فصل تدوین شده، تمرکز بسیاری بر تاریخ سیاسی اشکانیان دارد. از این رو، در اکثر فصول آن می‌توان به مبحث ولیعهدی و جانشینی شاهان اشکانی در بین مطالب، رجوع کرد. از جمله می‌توان به دسیسه‌های توطئه‌گران علیه شاهان اشکانی اشاره کرد و اینکه چه کسی یا کسانی پشتیبان و حامی این توطئه‌گران در پشت پرده بودند. کالج، مالکوم (۱۳۸۸)، اشکانیان (پارتیان)، این کتاب یکی از جامع‌ترین کتب درباره اشکانیان می‌باشد، نویسنده در ده فصل همراه با تصاویر و شرح

آنها، به بررسی حکومت، اقتصاد، دین، هنر و معماری و همچنین ظهور و سقوط پارتیان پرداخته است. در بین مطالب فصل های دوم (برآمدن پارتیان)، سوم (پارت و روم)، چهارم (پادشاه و حکومت) و فصل نهم (برافتادن اشکانیان) مباحثی مربوط به موضوع این پایان نامه یافت می شود. مباحثی چون ورود موزا به دربار اشکانی و جنگ های داخلی بر سر پادشاهی در دربار اشکانی.

شپیمان، کلاوس (۱۳۹۰)، مبانی تاریخ پارتیان، در فصل سوم که تاریخ سیاسی اشکانیان را مورد توجه قرار داده، درباره انتخاب ولیعهدی مهرداد اول، اختلاف های مهرداد دوم با اشراف، تلاش ارد اول برای کسب قدرت پادشاهی اطلاعاتی را ارائه می دهد. همچنین مباحثی چون پشتیبانی روم از تیرداد برای کسب تاج و تخت و یا درگیری دربار اشکانی با فرهادک و عدم مشروعیت وی برای مقام پادشاهی در این کتاب قابل توجه است.

میرحسینی (۱۳۹۲) در کتابی به بررسی اشکانیان در نخستین جنگ ایران و روم (جنگ حران) پرداخته است. از تاریخ ایران در دوره اشکانی سند تاریخی قابل توجهی به جای نمانده است. به همین دلیل درباره این دوره بین مورخین اختلاف نظر بسیار وجود دارد. اشکانیان گروه کوچکی بودند که زمانی تنها برای بقای خود تلاش می کردند، اما بعد از چند نسل و با به جان خریدن جنگ های بی امان تبدیل به قدرتی بزرگ شدند. آنها، بازماندگان اسکندر یعنی سلوکیان را درهم شکستند و در جنگ حران مقابل قدرت روم ایستادند. کتاب حاضر روایتی تاریخی از جنگ حران است. حران شهری است در بین النهرین که در عهد قدیم اهمیت بسیار داشته است. در ابتدای ماجرا، اخباری از حمله روم و تصرف بین النهرین به «ارد» پادشاه ایران می رسد؛ مارکوس کراسوس، سردار رومی راهی سوریه می شود و قصد حمله به ایران را دارد. دربار ایران و مجلس مهستان هم درگیر اختلافاتی است. فرهاد، پسر ارد خودخواه است و با ایجاد مشکلاتی شاه را آزار می دهد. اما سرداری کارآزموده به نام سورنا در سپاه ایران است که نقشی تعیین کننده در جنگ ایران و روم ایفا می کند.

۱-۳- ارمنستان، کانون تقابل اشکانیان و امپراطوری روم

ارمنستان به دلیل جایگاه جغرافیایی و پایگاه راهبردی خود در تاریخ، همواره همچون گذرگاهی برای سیطره بر قفقاز و آناتولی از یک سو و میان رودان و ماورای فرات از سوی دیگر عمل می کرد. با پیشروی شاهنشاهی اشکانی به سمت سرزمین های غربی شاهنشاهی هخامنشی و گسترش امپراتوری روم در جهت مشرق زمین، سرزمین

ارمنستان برای هر دو قدرت اهمیت دوچندان یافت. به همین دلیل وقتی امپراتوری روم بارها از جانبداری خاندان محلی ارمنستان از اشکانیان در برخوردهای کراسوس (۵۳ ق. م.) و آنتوان (۳۶ ق. م.) با شاهنشاهی اشکانی سرخورده شد، با بهره‌گیری از ضعف اشکانیان در سال‌های آغازین قرن یکم میلادی دودمان محلی آرتاکسی در ارمنستان را برانداخت.

اما این عمل روم با واکنش سریع اشکانیان در دوران اردوان دوم (۳۸-۱۱ م) که به دنبال احیای اقتدار پیشین شاهنشاهی هخامنشی بود، مواجه شد و اشکانیان در این دوران هر زمان که مناسب می‌دیدند، با پشتوانه ناخارارهای ارمنی برای براندازی نفوذ روم در این منطقه می‌کوشیدند. اردوان که از اهمیت ارمنستان به خوبی آگاه بود، در رقابت با روم توانست چند بار شاهان دست‌نشانده روم را از ارمنستان متواری کند و به جای آنها فرزندان خود را بر تخت ارمنستان بنشاند. اما امپراتوری روم نیز ساکت نمی‌نشست و با تحریک اقوام مهاجم به ایران و پشتیبانی از شاهزادگان اشکانی ساکن در روم، موجبات گرفتاری اردوان را فراهم می‌کرد تا از پرداختن به امور ارمنستان عاجز شود. تلاش‌های اردوان دوم سرانجام در دوران بلاش یکم (۷۹/۷۷-۵۱ م.) منجر به شکل‌گیری اشکانیان ارمنستان با موافقت امپراتوری روم شد. اما از آنجایی که امپراتوری روم با دیپلماسی و زور اسلحه اشکانیان به ناچار به این توافق تن داده بود، از هر فرصتی استفاده می‌کرد تا از زیر بار این توافق شانه خالی کند و بتواند بار دیگر سلطه و نفوذ خود را در ارمنستان بازگرداند. به همین دلیل، امپراتوری روم پس از شکل‌گیری سلسله اشکانیان ارمنستان برای رهایی از توافق، به صورت غیر مستقیم از طریق برانگیختن اقوام کوچ‌نشین برای حمله به قلمرو ارمنستان و ایالات شمال غربی ایران و سپس به صورت مستقیم با راه‌انداختن جنگ و درگیری و کشاندن جنگ به ارمنستان و میان رودان، سراسر قرن دوم میلادی را در جنگ با اشکانیان برای سلطه و نفوذ در ارمنستان سپری کرد تا شاید از این طریق شاهنشاهی اشکانی را به زانو در بیاورد. اما اشکانیان با پایداری در مقابل روم و اصرار بر به‌کارگیری شاهزاده‌ای از خاندان اشکانی بر ارمنستان در جهت خنثی‌سازی نقشه‌های روم عمل کردند. آنتیوخوس پس از شورش خشایارشای ارمنی دو فرمانده با نام‌های ایرانی آرتاکسیس (آرتاکسیاس) و زاره (زریادرس) برای حکمرانی در ارمنستان شرقی و غربی فرستاد. هر دو پادشاهی‌های جداگانه‌ای بنیان نهادند زاره به

شمال بین النهرین حمله کرد و آرتاشس «ارمنستان بزرگ» را در ارمنستان، امروزی در قفقاز بوجود آورد آرتاوازوس که جانشین پدر شد توانست قدرت ارمنستان را در شمال غرب ایران حفظ کند اما مهرداد دوم توانست آرتاوازوس را شکست دهد (فرخ، ۱۳۹۰: ۲۲۱).

۲-۳- سیاست اشکانیان در برابر ارمنستان

در آغاز امر می‌خواستند که ارمنستان را نیز مانند بین النهرین به شاهنشاهی خود ضمیمه کنند که منجر به یک رشته جنگ‌های سخت به فرماندهی پادشاهانشان از سلسله آرتاکسیاس در قرن دوم و اوایل قرن اول پ.م شد. پس از ظهور قدرت دولت روم در خاورمیانه و تهدیدی که از آن سمت متوجه شده بود سیاست اشکانیان نسبت به ارمنستان تغییر کرد و همه تلاش هایشان در این راه به کار رفت که وجود ارمنستان نه برای ضمیمه کردن به کشور خود بلکه به عنوان حایلی بین خود و روم حفظ نمایند (پاسدر ماجیان، ۱۳۶۶: ۷۸).

مهرداد دوم به ارمنستان توجه داشت پس به آرتاواز شاه، ارمنستان اعلام جنگ کرده و طرف مهاجم او بوده است. در نتیجه ارمنستان وابسته به پارت شد و تیگران پسر شاه ارمنستان به عنوان گروگان در اختیار پادشاه اشکانی قرار گرفت. احتمالاً این جنگ در حدود سال ۱۱۰ پ.م رخ داده است. وقوع تغییرات بعدی در ارمنستان باعث مداخله مجدد پارت شد و ارتش پارت تیگران را بی گمان به عنوان پادشاهی دست نشانده پارت بر تخت پدر نشاندند که او نیز ناچار هفتاد دره معروف را در حدود سال ۱۰۰ پ.م به پارت واگذار کرد (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

سیاست اشکانیان نسبت به دو کشور ارمنستان و سوریه همسو و همگرا بود. تصاحب ارمنستان به مثابه در کوهستانی مهم دولت اشکانی را از حملات از سوی غرب یا از سوی قفقاز مصون نگه می‌داشت. در مورد سوریه که مرکز قدرت سلوکیان بود و از آنجا به لشکرکشی‌های خطرناک علیه موجودیت دولت اشکانی می‌پرداخت و فتح آن به معنای دسترسی به دریای مدیترانه و راه تجارتهی مهمی بود که از ایران عبور می‌کرد. دمتریوس شاه سلوکی پس از لشکرکشی ناکام خود به دست پارت‌ها گرفتار شد مهرداد یکم او را گرامی داشت و دختر خود را به عقد او درآورد تا در نقشه‌هایش از وجود او استفاده کند. فرهاد دوم قصد داشت دمتریوس را با ارتش پارت به سوریه بفرستند تا او را بر تخت سلطنت سلوکی بنشانند و بدین ترتیب آنتیوخوس را در جلانه خودش تهدید کند و او را مجبور به عقب نشینی از ایران سازد. در عوض دمتریوس نیز ناچار بود خود را دست نشانده پارتیان بداند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

قدرت فزاینده ارمنستان در زمان تیگران دوم به اوج خود رسید. این شاه «هفتاد دره» را از مهرداد دوم پس گرفت، نفوذ خود را تا قلمرو دست نشانندگان پارت ها نیز نظیر اسروئن، گوردین و ماد و آتروپاتن توسعه داد، ماد را تاراج کرد و تا سوریه و فنیقیه پیش رلند. تیگران با اختیار کردن لقب «شاهنشاه» کامیابی های خود مهر تأیید کوید و این غصب امتیازی بود که تا آن زمان اشکانیان به عنوان وارثان هخامنشیان آن را منحصر به خود می دانستند این رویدادها نشان دادند که تا چه حد تزلزل داخلی موقتی پادشاهی اشکانی در سطح بین المللی برایش گران تمام شد. جنگ روم با مهرداد ششم (معروف به اوپاتور) پادشاه پونت بود که تیگران با او متحد شده بود. در پی این جنگ و پس از شکست قطعی این دو شاه، قلمرو نفوذ روم به نحو خطرناکی به آستانه مرز دولت اشکانی رسید. در این جنگ طرفین کوشیدند پای سیناتروس شاه اشکانی را نیز به جنگ بکشانند، اما او از شرکت در جنگ امتناع کرد. شاید این از ویژگی های همیشگی سیاست اشکانیان بود که از شرکت در منازعات بیرون از مرزهای خود که در آن امید موفقیت چندانی نمی رفت خودداری می کردند. این نیز ممکن است که ضعف داخلی حکومتی که دو غاصب یعنی گودرز یکم و آرد یکم، رشته های آن را از هم گسیخته بودند به شاه ایران اجازه نداده در جنگ شرکت کند و چه بسا این منطقی ترین عامل باشد (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

گرایش ارمنستان به سمت اشکانیان با جلوس تیرداد اشکانی تقویت شد که با صفات پسندیده اش توانست مهر و محبت ارمنیان را به خود جلب نماید. همچنین سیاست اشکانیان که بر مبنای فتح ارمنستان متکی نبود بلکه به طور ساده بر حفظ استقلال آن کشور بود (پاسدر ماجیان، ۱۳۶۶: ۷۹). سلطنت تیرداد (۷۵-۵۳ م) سرآغاز فرمانروایی سلسله آرساسیدها بر ارمنستان بود. در ۶۶ میلادی که تیرداد، شاهزاده اشکانی، تاج ارمنستان را از دست نرون گرفت، فصل تازه ای در تاریخ ارمنستان گشوده شد. از آن پس سرنوشت ارمنستان پیوند نزدیکی با سرنوشت خاندان شاهی اشکانی یافت. این اوضاع سیاسی ثبات یافته تا اوایل دوره ساسانی دوام آورد (لانگ، ۱۳۸۹: ۶۲۹).

با سر کار آمدن ساسانیان در ایران تغییر کلی در وضع ارمنستان رخ داد بر خلاف اشکانیان که وزنه ای ضروری برای حفظ تعادل در برابر رومیان بودند و سیاست متعادلشان بر مبنای این ادعا نبود که بر تمامی خاور زمین استیلا یابند بلکه مبتنی بر دفاع کشور و حفظ استقلال ارمنستان به سود خودشان بود، ساسانیان می خواستند بر تمام آسیای غربی دست یابند

رومیان را از خاورمیانه و حتی از خاور نزدیک برانند ارمنستان را اشغال به کشور خود ملحق سازند (پاسدر ماجیان، ۱۳۶۶: ۱۱۲-۱۱۳). پس علت دشمنی با شاهنشاهان تازه ایران و تشنج در مناسبات میان ارمنستان اشکانی و ایران ساسانی تا براندازی دودمان اشکانی در ۴۲۸ م روشن می‌شود (لانگ، ۱۳۸۹: ۶۳۰).

شاپور یکم در ۲۵۲ م به ارمنستان تاخت و تیرداد، دوم پادشاه این سرزمین ناگزیر به امپراتوری روم گریخت، اما پسرانش به ایرانیان پیوستند. پیروزی شاپور و اسارت امپراتور والرینوس در ۲۶۰ م برای سرنوشت سرزمین های ارمنستان از اهمیت زیادی برخوردار بود (لانگ، ۱۳۸۹: ۶۳۱). شاپور پسر خود هرمزد اردشیر را به عنوان شاه بزرگ ارمنستان به حکومت این سرزمین گماشت (فرای، ۱۳۸۹: ۲۲۷).

کتیبه‌های شاپور یکم و کرتیر در نقش رستم مطالبی درباره ارمنستان به دست می‌دهند. از کتیبه کرتیر چنین دریافت می‌شود که سلسله مراتب زرتشتی می‌کوشد تا بت پرستی و دیگر الحادات را در سراسر شاهنشاهی از میان بردارد و باورهای رسمی و شعائر زرتشتی را جانشین آنها کند. ارمنستان نیز احتمالاً بایست هدف اصلی کرتیر قرار می‌گرفت در کتیبه شاپور نیز از سیادت وی بر ارمنستان یاد شده است. کتیبه پایکولی نیز برای تاریخ ارمنستان از اهمیت فراوانی برخوردار است. به هنگام جلوس نرسه بر تخت شاهنشاهی ایران (۲۹۳ م) از تیرداد «شاه» نامی یاد می‌کند که در میان فرمانروایانی قرار دارد که پیروزی، نرسه، نایب السلطنه پیشین ارمنستان را به او شادباش می‌گویند (لانگ، ۱۳۸۹: ۶۳۱).

درآمدن ارمنستان به آیین مسیح در یک حرکت سیاسی سرآغاز سال شماری جدید برای آنها بود. در ۳۶۵ م شاپور دوم منظمًا هر یک از شهرهای بزرگ ارمنستان را ویران کرد، سکنه آنها، از جمله شمار زیادی از یهودیان را به جاهای دیگر کوچ داد. یزدگرد دوم، در فرمانی که در ۴۴۹ م صادر کرد در صدد تحمیل آیین زرتشتی به مردم ارمنستان برآمد این اقدام که با مقاومت شدید دو ملت گرجی و ارمنی مواجه شد به مرگ هزاران تن از ارمنیان انجامید (لانگ، ۱۳۸۹: ۶۳۲).

در زمان پادشاهی شاپور سوم سفرایی میان دو امپراتوری رفت و آمد کردند و سرانجام بر سر اصلاح دوباره مرزهای ارمنستان به توافق رسیدند. پیشینه خاک ارمنستان تحت فرمانروایی شاهی ارمنی از دودمان اشکانی بود، اما وی به عنوان فرمانگذار ساسانیان باقی ماند تا اینکه در سال ۴۲۸ م بهرام پنجم به درخواست پاره‌ای از اعیان و محتشمان ارمنی دودمان

اشکانی را از تخت ارمنستان برداشت و مرزبانی ایرانی را به حکومت آنجا گماشت (فرای، ۱۳۸۹: ۲۴۱).

اقدام به بر تخت نشاندن دمتریوس در سوریه و تیگران در ارمنستان هر دو به عنوان شاهان دست نشانده ایران ثابت می‌کند که تلاش برای احیای قدرت هخامنشیان از قرن دوم پ.م هدف اشکانیان بوده است. دلیل، دیگر پیشنهاد کمک آرد دوم به جمهوریخواهان روم در مبارزه با حکومت سه نفره تریوم ویراتوس» در سال ۴۲ پ.م به خاطر سوریه است که البته رومیان این پیشنهاد را رد کردند. لشکرکشی بزرگ پارتیان در ۴۱ پ.م سپاهی به فرماندهی یک رومی به نام لایینیوس که به خدمت پارتیان درآمده، بود به قلب آسیای صغیر و سپاهی دیگر به فرماندهی پاکور پسر آرد دوم، سوریه، فنیقیه و یهودیه در فلسطین را تسخیر کرد و آنتیگونوس را در آن منطقه به عنوان فرمانروای دست نشانده پارتیان مستقر نمود. این لشکر کشی با آن که در مجموع ناکام ماند، اما خود برنامه، یکی از حلقه‌های زنجیر اساسی سیاست اشکانیان بود اشکانیان در قرن یکم میلادی نیز طرح‌های خود را رها نکرده و هدف‌های برنامه هخامنشیان را در مقیاسی کوچک‌تر ادامه می‌دادند. با این حال برنامه ریزی اشکانیان در مورد گسترش به سوی غرب و حمایت از مرزهای ایران در برابر هجوم از جانب ارمنستان، شالوده برنامه‌ای شد که هدف آن تسخیر و گنجاندن ارمنستان در منطقه نفوذ اشکانیان بود، و همین مسئله از قرن یکم میلادی هنگام مبارزه با روم، توجه اشکانیان را به خود اختصاص داد (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷).

۳-۳- جایگاه اشکانیان ارمنستان در روابط سیاسی بین ایران

و روم

پرداختن به جایگاه اشکانیان ارمنستان در روابط سیاسی بین ایران و روم و عملکرد آنها در این قرن پرتنش ضرورتی است که به آن پرداخته شده است. روی کار آمدن دولتی با نام اشکانیان ارمنستان از مهمترین ادوار تاریخ این سرزمین به شمار می‌رود که با دخالت مستقیم دولت اشکانی و موافقت امپراتوری روم در ارمنستان شکل گرفت. این خاندان پادشاهی در پی رخدادهای سیاسی و نظامی زمان بالش اول اشکانی و نرون امپراتور روم در ارمنستان به قدرت رسید که به دلیل داشتن قرابت‌های نسبی و خویشاوندی با طبقه حاکم بر ایران در اکثر اوقات به نفع دولت ایران عمل می‌نمود. مهرداد شاه ارمنستان توسط فردی به نام رادامیست شاهزاده گرجستان از قدرت خلع و کشته شد و خود

رادامیست نیز با شورش هواداران حامی دولت اشکانی مواجه شده و در نتیجه تاج و تخت را از دست داد در این زمان بلاش اول پادشاه جدید اشکانی برای پایان دادن به منازعات ارمنستان برادر خود تیرداد را در سال ۵۴ م با حمایت اشراف ارمنی و مردم به حکومت آن جا گماشت (پیرنیا، ۱۳۸۹). همین امر تأیید می‌کند که مساله ارمنستان در کانون توجه دولت اشکانی در این زمان قرار داشته و حتی تاسیتوس مورخ ارمنی (۶۶-۱۲۰ م) نیز طی جمله کوتاهی به این مساله اشاره کرده است او (بلاش یکم) بارها ارمنستان را به لرزه در آورده است از سویی شاه اشکانی برای پیشبرد اهداف خود علاوه بر فشارهای سیاسی از نیروی نظامی نیز بهره برد و به منظور رفع تنش های احتمالی درون خاندان، اشکانی برادرانش را به حکومت ناحیه‌ای گماشت تا خیالش از بابت داخل ایران آسوده بماند. در خصوص ارمنستان نیز بر اثر تندروی ها و قساوت هایی که مهرداد ایری و سپس رادامیست حاکمان قبلی ارمنستان از خود نشان داده بودند، ارمنی‌ها به نفع دولت اشکانی تغییر جهت داده و خود را تحت الحملیه ایران کردند. بروز قحطی و بیماری واگیردار باعث شد تا بلاش اول بعد از چند ماه ارمنستان را تخلیه کند و رادامیست به قدرت بازگردد. اما این بازگشت دیری نپائید و با شورش هواداران دولت اشکانی مجبور به فرار شده و در حالی که همسرش به دست تیرداد اشکانی افتاد، خود به گرجستان گریخت و از حکومت ارمنستان چشم پوشید (تاسیتوس^۱، ۱۹۵۹).

نرون امپراتور روم نیز که تسلط اشکانیان را بر ارمنستان قبول نداشت به کوربولون فرمانده نیروهای رومی در آسیا فرمان داد تا ارمنستان را تسخیر کند با حمله رومی‌ها جنگ مستقیم آغاز شد و دامنه آن تا میان رودان گسترش یافت و حتی با اینکه رومی در ابتدا به موفقیت هایی دست یافتند اما سرانجام در نبرد رلندیا در سال ۶۲ م در برابر نیروهای مشترک ارمنستان و ایران مغلوب شدند ولی با توجه به اینکه بلاش اول در شرق ایران مشغول فرونشاندن شورشی بود به پیمان صلح با روم رضایت داد. به موجب این پیمان نیروهای روم و ایران باید از ارمنستان خارج می‌شدند و تیرداد به روم رفته و تاج پادشاهی ارمنستان را از نرون دریافت می‌کرد (دبویس^۲، ۱۹۵۹).

به این ترتیب شاخه‌ای از خاندان اشکانی به حکومت ارمنستان رسیدند که به اشکانیان ارمنستان یا آرشاکونیاس معروف شدند که پادشاهان آن

¹ Tacitus

² Debevoise

می‌بایست تاج خود را از امپراتوری روم دریافت می‌کردند و روم نیز ملزم به انتخاب نامزد خود از میان اعضای خاندان اشکانی بود (گارسویان^۱، ۱۹۹۷). این دودمان پادشاهی تا چهارصد سال بر ارمنستان فرمان راندند و در اوایل قرن پنجم توسط ساسانیان از میان رفتند (وزین افضل، ۱۳۹۲). اشکانیان ارمنستان به سبب قرابت نسبی و خویشاوندی نزدیکی که با پادشاهان اشکانی داشتند همزمان با تحولات سیاسی ایران و در مواقع بسیار به یکی از موانع اصلی برنامه توسعه طلبانه رومیان در آهاند (سارگسیان ک. خ. و همکاران، ۱۳۶۰).

مساله ارمنستان در زمان بلاش اول ظاهراً به نفع روم و در حقیقت موافق منافع اشکانیان خاتمه یافت و تا قریب به نیم قرن آرامش را به منطقه بازگرداند سلطنت طولانی تیرداد و جانشینانش در ارمنستان چرخش مذهبی و فرهنگی را به سمت ایران و اشکانیان سرعت بخشید و در ایران نیز سنن کهن ایرانی در بسیاری از جنبه‌های حکومتی و اجتماعی نمایان شد برای نخستین بار در دوره اشکانی، سکه‌های با خط آرامی به جای خط یونانی به کار رفت و به طرز وسیعی در ارمنستان رواج یافت (بارنی و لانگ^۲، ۱۹۷۱).

سلسله اشکانی بعد از مرگ بلاش اول در مسیر انحطاط قرار گرفت که کما بیش تا پایان عمر آن تداوم یافت. در عوض روم شاهد امپراتورهای مقتدري شد که در نتیجه وزنه معادلات سیاسی و نظامی خصوصاً در مساله ارمنستان را به نفع خود تغییر بخشید. پس از تیرداد دربار ایران بدون اجازه روم یکی از شاهزادگان اشکانی را به حکومت ارمنستان گماشت که موجب اعتراض شدید ترایانوس امپراتور روم شد خسرو شاه اشکانی (۱۰۷-۱۳۲ م) برای جلوگیری از جنگ دوباره با روم پارتهازیر پسر تیرداد را شاه ارمنستان خوانده و برای دریافت تاج شاهی روانه روم کرد اما وی توسط ترایانوس کشته شد (پیرنیا، ۱۳۸۹). به دنبال آن ارتش روم به ارمنستان حمله ور شده و آن جا را اشغال نمود و برنامه تیریریوس را با اعلام ارمنستان به عنوان یک استان رومی عملی ساخت. خسرو شاه اشکانی در برابر این حمله کاری از پیش نبرد ولی در نهایت هادریان امپراتور جدید روم در سال ۱۲۲ م طی معاهده‌ای ارمنستان را به ایران بازپس داد و باردیگر رود فرات مرز طرفین اعلام شد (وزین افضل، ۱۳۹۲).

¹ Garsoian

² Burney and Lang

در زمان بلاش سوم اشکانی (۱۹۱-۱۴۸ م) باردیگر اوضاع وخیم شد بلاش در سال ۱۶۱ م به امپراتور روم اعلان جنگ داد و بر ارمنستان که پادشاه آن تبعیت از روم را پذیرفته بود حمله ور شد و پس از آن نیروهای رومی را شکست داده از رود فرات نیز گذشت. اما کاسیوس سردار رومی وی را شکست داد و ارمنستان را تصرف نمود و خرابی زیادی در آن به بار آورد و سپس فردی دست نشانده به نام سوهه موس را بر آن ناحیه به حکومت رساند. (پیرنیا، ۱۳۸۹).

بدین ترتیب تفوق روم بر ارمنستان مستحکم شد و دولت اشکانی که در ضعف بسر می‌برد نتوانست نفوذ خود را بر این سرزمین توسعه دهد. البته در سال ۲۱۷ م بعد از جنگ نصیبین که آخرین جنگ اشکانیان با رومیان بود، اردوان پنجم (۲۲۴-۲۰۸ م) آخرین شاه اشکانی توانست طی معاهده، ای شاهزاده‌ای اشکانی به نام تیرداد دوم را بر تخت ارمنستان بنشانند و روم را ملزم به تبعیت از این پیمان کند ولی به دلیل وضعیت نابسامان داخلی ایران و اوضاع آشفته، روم شاه ارمنستان در این برهه کم و بیش مستقل عمل نمود (روستوتزف^۱، ۱۹۶۰). درست در همین حین که اردوان پنجم توانست در برابر رومیان و سیاست خارجی ایران به موفقیتی دست یابد اتفاقاتی در داخل ایران رخ داد که منجر به سقوط اشکانیان از اریکه قدرت و روی کار آمدن خاندان ساسانی شد. منابع ما در مورد تغییرات حکومتی ایران در این برهه از تاریخ و نیز مساله ارمنستان اندک و گاه سکوت است و بازسازی رخدادهایی که منجر به سقوط دولت اشکانی شد کاری دشوار و طاقت فرسا می‌باشد (شیپمان، ۱۳۸۴)، همان قدر روشن است که اردوان پنجم در مصاف با اردشیر بابکان سردودمان ساسانی مغلوب شد و به قتل رسید و خانواده‌اش به پادشاهی ارمنستان پناهنده شدند که در معیت نیروهای رومی قرار داشتند. بدین ترتیب دولت اشکانیان منقرض شد.

۳-۴- پناهنده شدن اشراف اشکانی به امپراطوری روم

نقش پناهنده شدن مهرداد سوم در تهاجم کراسوس به قلمرو اشکانیان در بین‌النهرین فرهاد سوم دو پسرش به نام های ارد و مهرداد را در سلطنت با خود شریک کرده بود. ولی مهرداد سرشتی بد داشت و از این رو پدرش را به قتل رساند. در پی این حوادث ارد بر وی شورید که در نتیجه آن مهرداد به سوریه نزد گابینیوس پناهنده شد (گریشمان^۲، ۱۳۸۶: ۲۹۶). یکی از عوامل مهم این شورش نقش تاریخی و جغرافیایی بین‌النهرین بوده که از روی کار آمدن سلسله اشکانی و تثبیت آن‌ها در

¹ Rostovtzeff

² Gearshman

تیسفون موضوع مورد مناقشه دو امپراتوری بود. اهمیت این شورش در ابتدا یکی به واسطه نزدیکی مرزهای ایران و روم و در واقع به دلیل این که پایتخت اشکانیان در این مرز و بوم بوده و در ادامه حمایت رومیان و ساکنان بین النهرین از مهرداد که تیسفون را به مخاطره انداخت. اما ارد به سرداری سورن سلوکیه را محاصره کرد. در نتیجه شهر دچار قحطی شد و مهرداد خود را تسلیم برادر کرد (رجبی^۱، ۲۰۰۸: ۹۰). تمایل شاهزاده اشکانی که تازه از قدرت خلع شده بود، به رومیان این حدس را بر می آورد که احتمالاً کراسوس قصد داشت مهرداد سوم را به قدرت برساند (پیرنیا^۲، ۲۰۱۰: ۱۸۸۶). به هر ترتیب این لشکرکشی به دلیل عدم شناخت قدرت نظامی اشکانیان و موقعیت جغرافیایی و طبیعی شاهنشاهی اشکانی به شکست و قتل کراسوس و فرزندش انجامید. در واقع شکست مفتضحانه کراسوس و عدم موفقیت مارک آنتونی در لشکرکشی خود، معلول فقدان اطلاعات جغرافیایی رومی ها درباره امپراتوری شرقی واقع در آن سوی رود فرات بوده است (دریجورس^۳، ۲۰۱۵: ۴۴۲).

۳-۵- پناهندگی کوینتوس لایینوس به اشکانیان و جغرافیای نبردهای ایران و روم

پس از برخورد میان هواداران جمهوری و لژیون های نیرومند سلطنتی روم، کاسیوس و بروتوس سپاهیانی از ملل مختلف در یونان برای مبارزه علیه آنتوان تشکیل دادند. در پی آن کوینتوس لایینوس به عنوان فرستاده کاسیوس از پادشاه اشکانی درخواست نیرو برای نبرد فیلپیی کرد. اما پس از قتل کاسیوس به دست آنتوان اغلب جمهوری خواهان کشته و یا مجبور به خودکشی شدند. پس از این حوادث لایینوس در نزد اشکانیان مانند و توانست اعتماد ارد و فرزندش پاکر را در دربار اشکانیان به دست آورد (ویجیک^۴، ۲۰۱۳: ۷۶). پس از آن، اشکانیان به فرماندهی پاکور و لایینوس برای مقابله با روم و به دست آوردن سوریه از فرات عبور کردند. در ابتدا آپامه آ زرادخانه اصلی سوریه که موقعیت جغرافیایی مهمی داشته و بر روی تپه مرتفع و همواری قرار داشته بود، مورد تهاجم قرار گرفت. لایینوس به عنوان یک رومی با خطابه ای همزمان قدیمش را متقاعد کرد که از اطاعت قاتلان پمپه سرپیچی

¹ Rajabi

² Pirnia

³ Drijvers

⁴ Wijlick

نمایند. این حرکت سپاهیان اشکانی در واقع به جابجایی مردم و تسلیم کردن برج و باروهای شهر و همچنین پیوستن لژیون های رومی ساکن در سوریه به آن ها شد. که در پی این تغییر جمعیتی بزرگترین پیروزی در پای حصار مستحکم آنتوش، رخ داد که پادگان رومی آن، بدون کوچکترین مقاومتی دروازه های شهر را به روی وی گشودند (دیوکاسیوس^۱، ۱۹۹۵: ۲۵). نکته درخور توجه در این لشکرکشی مناطق جغرافیایی است که قبلاً متعلق به هخامنشیان بود. در ابتدای این حمله مناطقی از آسیای میانه دستخوش نهب و غارت شد و به قلمرو اشکانیان منضم شد. آن ها با عبور از آسیای میانه از طریق لیدیه و کاره در غرب منطقه ایونی، حمایت لژیون های حامی کاسیوس را به دست آوردند (ویجلیک^۲، ۲۰۱۳: ۱۱۵). پس از این حوادث سرزمین های مختلف در آن سوی فرات تسلیم اشکانیان شدند و جمعیت های محلی آن تابع اشکانیان شدند. به گونه ای که در سراسر فلسطین و وطن پرستان که از تعدیات دو تن شخص منفور که مملکت را برای رومیان اداره می کردند، به جان آمده بودند و قیام کردند و اشکانیان به واسطه حمایت آن ها توانستند با یک گروه پانصد نفری از سواران به بیت المقدس حمله و آن جا را به تصرف درآورند (گوسماشید^۳، ۱۹۷۷: ۱۴۹). و شخصی بنام آنتیگونوس یهودی را حاکم آن سامان کردند. پس از آن دوران، حکومت اشکانیان سیستم جدیدی برای اداره آن ولایت برنامه ریزی و طرح ریزی نمودند که با اداره امور اقتصادی روزگار کنسول ها که کاملاً با آیین مملکت داری جمهوری روم بستگی داشت متمایز است. پاکر با مهربانی و دادگستری قلوب سوریان را جلب کرد درآورند (گوسماشید، ۱۹۷۷: ۱۴۹-۱۵۰). پس از این پیروزی لابینوس وارد معبر بایلن در چهل کیلومتری شمال آنتوش که دروازه سوریه بود، شد. پارت ها از طریق سواحل سوریه که صیدا کلید آن بود، دست به حمله زدند و ظرف چند ماه شهرهای سیلیسی، کاریه، لیدیه و ایونی به تصرف درآمدند (پلوتارک^۴، ۱۹۳۲: ۳۰). پس از این حوادث، عده ای زیادی از اهالی و ساکنان شهرهای تصرف شده را به قتل رساند و اموال آنان را غارت نمود، به گونه ای که عده ای از آن ها از شهرهای خود مهاجرت و به سرزمین های روم فرار کردند. پس از این رویدادها سرانجام لابینوس مناطق جغرافیایی کیلیکیه و لیدیه را تحت انقیاد درآورد. از طرف دیگر

¹ Dio Cassius

² Wijlick

³ Gothamshid

⁴ Plutarch

وی توانست بخشی از دریای سیاه از جمله بی تینه را به تصرف درآورد و در ادامه شهرهای کاریه و سواحل ایونی نیز تسخیر شدند (کریس کوچ^۱، ۲۰۱۷: ۸). فراری دادن لژیون ها و جمعیت های محلی طرفدار روم و سکه هایی که فرمانده رومی به نام اشکانیان زد نقش مهمی در گسترش خبر پیشروی اشکانیان و کنجکاوی در مورد شاهنشاهی شرقی در میان رودان داشت؛ زیرا پس از آن در ادبیات رومی اشاره به پارت ها و ایالات شان در ماد و بلخ و حتی هندوستان افزایش یافت (دبوویس^۲، ۱۹۶۳: ۱۷۷-۱۸۸). پارتیان با انجام این عملیات، بسیاری از حکام شهرهای سوریه نیز که از سوی آنتونیوس یکی از سه زمامدار حکومت سه نفره روم و فرمانروای شرق تهدید شده بودند به نزد پارتیان گریختند تا مشاور و کمک آن ها باشند. همچنین ترس از مصادره اموال توسط عاملان بلندپایه رومی، شهرهای فنیقیه را به آغوس پارتیان راند. به نوعی مهاجرت خودخواسته در این برهه زمانی شکل گرفت. به نظر آن ها یوغ پارتیان ملایم تر از یوغ رومیان بود (ولسکی^۳، ۲۰۰۴: ۲۱۵). دیرزمانی بود که اشکانیان به چنین پیروزی نائل نگشته بودند. حیثیت و اعتبار جهانی فوق العاده شان خطری مستقیم برای متصرفات روم در شرق دریای متوسط گشته بود (دیاکونوف^۴، ۱۹۷۲: ۸۹).

اما دیری نگذشت که آنتونیوس به کمک ون تیدوس باسوس درصدد لشکرکشی علیه اشکانیان برآمدند. وضعیت در این زمان برای رومی ها خالی از مخاطره نبود؛ زیرا که از سوء سلوک حکام رومی که با مردم بسیار ظالمانه رفتار می کردند و همه جا اهالی هواخواه اشکانیان شده بودند. از این رو ونتیدیوس سردار رومی ناچار شد با حزم و احتیاط عمل کند. به این ترتیب که وی با یکی از هواخواهان رومی یعنی فارنائوس حکمران سیرهستیکا، از ولایات اعراب، که قبلاً رابطه اتحادی محرمانه با اشکانی ها داشت و به وی پناهنده شده بود، سردار رومی را به تدبیری اندیشید تا از او به منفعت خود استفاده کند. از این رو علی الظاهر به وی وانمود کرد که محل وثوق و اعتماد کامل اوست و در اجرای نقشه ای که در سر دارد اظهار ترس و بیم بسیار کرد، بدین وسیله فارنائوس را نهانی بر آن داشت که گزارش های به کلی خلاف واقع و دروغ جهت موقعیت جنگی و جغرافیایی به اشکانیان بدهد و خیالات ونتیدیوس را طور دیگر جلوه گر سازد. از آن جمله

¹ Kryśkiewicz

² Debevoise

³ Wolski

⁴ Diakonov

به پاکر نوشت که رومی ها یقین دارند که وی از طریق زئوگما به آن ها حمله ور خواهد گردید، یعنی شاهزاده معروف که اقصر طرق است اختیار خواهد کرد، زیرا که در راه دیگر جغرافیایی یعنی فرات، با تیراندازان پارتی مقابله می شوند و برای آن ها خالی از خطر نیست. پس پاکر این گزارش دروغ و فریبنده را باور کرده و برخلاف راه طولانی و درازی را در پیش گرفت و از طریق ناحیه سیرهستیکا به سوی کشور شام رهسپار گردد و مدت چهل روز اقامت خود را صرف جمع آوری وسائل کرد که بر روی آن شط بزرگ پلی عریض بنا نماید و قشون خود را از آن بگذراند (دبوویس^۱، ۱۹۶۳: ۹۵-۹۶). از این رو نخست در سال ۳۹ ق.م در آسیای صغیر لایینوس را شکست و دستگیر و اعدام کرد. بدین ترتیب آسیای صغیر دوباره به دست رومیان افتاد. سپس ون تیدس باسوس با شکست دادن واحدهای پیاده نظام اشکانی که در راه های منتهی به سوریه گماشته شده بودند این گذرگاه را گشود و آن گاه سوریه و شهرهای فنیقیه تا یهودیه را دوباره تصرف کرد (ولسکی، ۲۰۰۴: ۱۵۷).

سپس با استفاده از نقشه خود پناهنده عرب از فرصت استفاده کرد و سه روز قبل از این که سپاه اشکانی برسد خود را آماده کارزار کرد. چون در هنگام عبور از فرات از طرف رومیان مقاومتی مشهود نشد، اشکانیان به تصور این که آن ها آماده نیستند از این رو بی درنگ بر اردوگاه آن ها حمله ور شدند. ولی ونددیوس به واسطه در دست گرفتن مکان جغرافیایی بهتر و خوبی که داشت و در اراضی مرتفعی در نزدیکی گینداروس، تل جندریس فعلی، در مغرب رود افرین موضع گرفت (دبوویس^۲، ۱۹۶۳: ۹۵-۹۶). سرانجام پاکور از ون تیدس باسوس در نبرد گیندارس به سال ۳۸ ق.م شکست خورد و کشته شد (اوستروسکی^۳، ۲۰۰۵: ۴۶).

۳-۶- پناهنده شدن بزرگان اشکانی به مارک آنتوان و تهاجم روم به سرزمین آذربایجان

ارد به گفته ژوستین در حدود سال ۳۷ پ.م بر آن شد تاج و تخت را به یکی پسرانش بسپرد. از این رو فرهاد (چهارم) پسر ارشد خویش را برگزید. اما فرهاد برای استوار ساختن پایگاه خویش نخست پدر و سپس همه برادران را کشت (اوون ویچلیک مارگر، ۲۰۱۳: ۱۲۸). چون دست به میان اشراف هم برد، بسیاری از آنان راه گریز پیش گرفتند. از

¹ Debevoise

² Debevoise

³ Ostrowsk

جمله کسی بنام مونه زس بود که به نزد رومیان گریخت (مشکور^۱، ۱۹۹۵: ۴۰). پلوتارک از وی به نام مونسس نام می برد، که توجه مارک آنتوان را جلب کرده بود. او به مارک آنتوان قول داد که بدون هیچ دردمندی بر پارت ها پیروز خواهد شد (اوون ویجلیک مارگر^۲، ۲۰۱۳: ۱۲۸). به نقل از پلوتارک آنتوان مونوبازس را پذیرفت و رفتاری با او نمود که مشابه تمیستوکل بود و خود را در مقام مقایسه با پادشاهان ایران قرار داد (پلوتارک^۳، ۱۹۶۴: ۴۵). و سه شهر لاریسا، آرتوزا و هیراپولیس را به او واگذار کرد (رینهولد^۴، ۱۹۸۸: ۵۹).

از این رو به دنبال این که بسیاری از اعظم مملکتی خود را از ظلم و ستم فرهاد چهارم نجات دهند به خارج از کشور پناهنده شدند. در این میان آنتونیوس وضع را مساعد یافت تا به یک جنگ انتقامی بر ضد دولت پارتی دست بزند. قسمت آذربایجان، ایالت ماد که در سال ۶۷ ق.م. مهرداد داماد تیگران پادشاه ارمنستان در آن جا با استقلال و بدون اتکاء به پدرزنش حکومت می کرد و در سال ۶۵ داریوش فرمانروای آن جا با گسیل کردن سفیری نسبت به پومپیوس اظهار انقیاد کرده بود، بعدها با ارمنستان یک جا تحت نفوذ پارتی ها قرار گرفت و آنتونیوس مصمم شد آن جا را باز تحت الحمایه رومیان درآورد (گوسماشید، ۱۹۷۷: ۱۵۴-۱۵۳).

اما اندکی پیش از آن که سپاهیان رومی به قصد عزیمت به ارمنستان حرکت کنند، فرهاد تصویری از دست راست به نشانه درگذشتن از گناه مونسس برای او فرستاد (بیوار^۵، ۲۰۰۴: ۱۶۱). موناثر هم با این بهانه که درباره بازگرداندن پرچم های رومی با فرهاد مذاکره خواهد کرد، به کشورش بازگشت. او احتمالا اطلاعات دقیقی درباره موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی، آرایش نیروهای رومی داشت و به همین دلیل بهترین فرد برای مقابله با ایشان محسوب می شد (وکیلی^۶، ۲۰۱۴: ۷۸). از سوی دیگر وی از نقشه های رومیان که یکی از مهم ترین فاکتورهای آن ها شناسایی مکان های مهم استراتژیک جنگی، راه ها، گذرگاه ها و معابر و همچنین خطوط دشمن بود، آگاه بود (بیوار، ۲۰۰۴: ۱۶۱). در حقیقت یکی از جالب ترین مسائلی که این روایت مطرح ساخته توضیح جغرافیایی این سفر جنگی است. چنان که همه مفسران تقریبا اتفاق دارند که سپاهیان

¹ Mashkour

² Van-Wijlik, Margar

³ Plutarch

⁴ Reinhold

⁵ Bivar

⁶ Vakili

رومی از طریق جلگه مرند وارد آذربایجان گردیدند و از کنار کران شرقی دریاچه ارومیه گذشتند. سر هنری راولینسون بعدها در مقاله اش استدلال کرده شهری که آنتوان آن را به محاصره گرفته بودند، در محل باستانی تخت سلیمان بوده است. مینورسکی این شهر را نزدیکی مراغه کنونی قرار می دهد. به عقیده راولینسون از این گذرگاه بود که سپاهیان رومی به راهشان در امتداد جلگه تبریز در جهت شمال غرب که به مرند می رسید، ادامه دادند و رود شیرینی که رومیان با نوشیدن آب رنج های خود را تسکین دادند، سللیا یا سولاچای بود که مینورسکی آن را با سولان چای که حدود ۱۵ مایل از درون این جلگه می گذرد اصلاح می کند. اما چون روایت پلوتارک می گوید که جاده میان دو رود کوهستانی و شیب دار بود، از این رو می توان گفت که جاده ای که رومیان می توانستند انتخاب کنند از تنگ گیچی بل میان تبریز و اهر می گذشته و با گذر از اهرچای توانستند از دست دشمن که در تعقیب آنان بود بگریزند (بیوار، ۲۰۰۴: ۷۸). خط سیر جغرافیایی این نبرد از روم به طرف جلغا و از آن جا در مسیر جنوب، از راه مرند در شمال شرقی دریاچه ارومیه به سوی شهر فراسپا بود (شپیمان، ۲۰۰۵: ۲۴۴). این مسئله را جدا از خیره سری آرتاوازاد پادشاه ارمنستان که به ادعای منابع رومی به آنتوان نسبت داده بودند، می توان به نقشه مونبازوس که قبلا به وی پناهنده شده بود، منتسب دانست. در این میان می توان به نقش مونه زس سردار متواری اشکانی که فرهاد وی را بخشیده بود اشاره کرد؛ چرا که با آگاهی از وضعیت پایگاه، لشکریان و نقشه لشکرکشی رومیان و آگاه بودن از مناطق جغرافیایی که رومیان برای نبرد در پیش گرفته بودند، توانست در شبی هنگامی که لشکریان استاتیانوس از فرماندهان رومی، که از پیاده روی خسته شده بودند، بر آن ها یورش برد و همه آن ها یکسره به تیر پارتی ها گرفتار آیند و دستگاه و لوازم محاصره آنان به چنگ اشکانیان بیفتد. این شکست باعث بازگشت آرتاوازاد پادشاه ارمنستان گردید (گوسماشید، ۱۹۷۷: ۱۵۵). در نتیجه آن مارک آنتوان در نزدیکی آذربایجان در محلی به نام فراسپه با شکست مواجه شد. نکته دیگر در این لشکرکشی وضعیت اقلیمی و آب و هوایی آن سامان بود که تأثیر به سزایی در شکست رومیان داشت. به نقل از منابع تلفاتی که رومیان به هنگام عقب نشینی در سرزمینی ناشناخته بر اثر گرسنگی و تشنگی دادند بیش از تلفات آن ها از اردوی دشمن بود. کار به جایی کشید که ناگزیر شدند از ریشه درختان و گیاهان ارتزاق کنند. تغذیه بد و آب و کثیف باعث شد که اغلب به اسهال خونی دچار شوند و رشته

انضباط آن‌ها از هم گسیخته شود. در عرض ۲۷ روز بیش از چهارصد کیلومتر راه، فاصله‌ی بین فراسپا تا اراکسس، یعنی رود حد فاصل بین ناحیه ماد و ارمنستان را طی کردند. در کنار این رود بود که اشکانیان دست از تعقیب آنان برداشتند. تا این جا لشکریان رومی عبارت بود از یک چهارم مجموع جنگجویان (بیست و چهار هزار نفر) و یک سوم مجموع عقبه لشکر. اسباب و لوازم و بار و بینه سپاهیان یکسره نابود شد. هشت هزار تن دیگر در اثر عبور از فلات ارمنستان به سبب سرما و کولاک جان دادند. به نقل از گوتشمیدی این لشکرکشی که به دلیل پناهنده شدن بزرگان ایرانی به روم و وضع آشفته اشکانیان در این اثر رخ داده بود بیش از همه به این دلیل بود؛ یکی آن که اصولاً رومیان بنا به عادت دیرینه خود از اوضاع جغرافیایی و وضع آب و هوای ممالکی که برای کشورگشایی مطمح نظرشان بود بی اطلاع بودند (گوسماشید، ۱۹۷۷: ۱۵۷-۱۵۵).

پس از شکست دادن مارک آنتوان، فرهاد چهارم برای کوتاه زمانی دچار کشمکش داخلی شد. اما خیلی زود این شورش با شکست مواجه شد و تیرداد با بردن پسر شاهنشاه به سوریه پناهنده شد. اما فرهاد با گسیل کردن سفیری به اوکتاویوس که در سوریه زمستان را به سر می برد، اعتراض کرد، ولی با وجود این همه به تیرداد اجازه اقامت در سوریه داد (شلدون^۱، ۱۹۹۷: ۳۰۵). پس گرفتن پسر فرهاد از اوگوستوس، فشار نیروهای رومی بر اشکانیان در سوریه و ارمنستان، ضمانت گرفتن از اوگوستوس که دیگر از تیرداد حمایت نکند، گرفتن هدایای بسیار از روم موجب شد تا فرهاد چهارم به بازگرداندن اسرا و پرچم‌های رومیان رضایت دهد (بیوار، ۲۰۰۴: ۱۶۷). این رویدادها همگی در اثر پناهندگی تیرداد به دربار روم بود که چنین معاهده‌ای منعقد شد (جزفوس^۲، ۱۹۳۴: ۲). پس از صلح میان اوگوستوس و فرهاد چهارم و بازگردان بیرق‌های رومی نبرد حران، اوگوستوس کنیزکی رومی به نام موزا را به وی بخشید و فرهاد نیز برای این که فرزندان خود را از منازعات جانشینی به دور نگه دارد چهار تن از فرزندان خود را به دربار وی فرستاد تا تحت حمایت روم باشد.

۳-۷- جانشینان فرهاد چهارم؛ نقش پناهندگان اشکانی و رومی در

مناقشات جغرافیایی

^۱ Sheldon

^۲ Josephus

پس از مرگ فرهاد چهارم و روی کار آمدن فرهادک شاهد اهمیت جغرافیایی ارمنستان برای اشکانیان هستیم. طبیعی است با اهمیت استراتژیکی که ارمنستان برای اوگوست داشت، او نمی توانست در برابر این رفتار فرهاد پنجم واکنشی از خود نشان ندهد. فرهادک که به خوبی می توانست از برداشت روم درباره خود آگاه باشد، با فرستادن سفیری به روم ضمن اعلام بر تخت نشینی خود از اوگوست خواست تا برادران او را که در روم می زیستند به ایران برگرداند. امپراتور روم، نه تنها درخواست وی را اجابت نکرد، بلکه آمرانه از فرهادک خواست تا سپاه خود را از ارمنستان بیرون کشد (رجبی^۱، ۲۰۰۸: ۱۰۹-۱۱۰) و برای سامان دادن به امور نوه خود کایوس را به آسیا فرستاد. فرهادک نیز که زمان را آماده جنگی تازه با رومیان نمی یافت، از در آشتی درآمد. در سال دوم پ. م. فرهادک و کایوس در جزیره ای در میان فرات با هم ملاقات کردند. در این ملاقات فرهادک برخلاف تقاضای نخستین خود از امپراتور روم، تعهد کرد که در صورتی که برادران او در روم نگهداری شوند از دخالت در امور ارمنستان خودداری کند (دیوکاسیوس^۲، ۱۹۵۵: ۱۰).

بدین صورت بار دیگر نقش پناهندگان در از دست رفتن قلمرو جغرافیایی مهمی مانند ارمنستان کاملاً واضح و مبرهن است. پس از متواری شدن فرهادک و قتل ارد سوم و فرستادن ونون از سوی اوگوستوس برای به تخت نشینی اشکانیان و به دلیل رفتار رومی گونه وی (بیوار، ۲۰۰۴: ۳۹۷). هدعی دیگر تاج و تخت بنام اردوان از هیرکانی شورشی برانگیخت و نخست ونون کامیاب بود ولی اردوان ونون را از سرزمین پارت راند و بیش از یکسال ونون بر تخت ارمنستان بود (داباروا^۳، ۲۰۱۷: ۱۷۳). این رویداد چندان مورد علاقه رومیان نبود و حضور وی در ارمنستان بهانه ای برای درگیری اردوان دوم با تیبریوس بود. در پی این حوادث اردوان تهدید کرد که به سرزمین های رومی لشکرکشی خواهد کرد (اولبریخت^۴، ۲۰۱۶: ۶۰۸). از این رو روم از حمایت وی دست برداشت و او در ۱۶ میلادی به آن جا پناهنده شد (وایهوفر^۵، ۲۰۱۶: ۴۵۳). اما در مسیر ترسوس توسط محافظش کشته شد. پس از مدت کوتاهی اردوان طی نامه ای به تیبریوس، که در آن اردوان خواستار استرداد سرزمین های اجدادی خویش به دوران هخامنشی بود، توجه به مناطق جغرافیایی و سوق الجیشی ارمنستان، آسیای صغیر و بین النهرین به عنوان

¹ Rajabi

² Dio Cassius

³ Dabrowa

⁴ Olbrycht

⁵ Wieshoffer

میراث شاهنشاهی هخامنشی در سرلوحه برنامه سیاست خارجی اشکانیان قرار گرفت. از این رو در راستای احیای شاهنشاهی هخامنشی، به طور جدی در برابر فشارهای سلطه جویانه روم به رگم برتری های نظامی اش، مقاومت نشان داد. یکی از اهداف برنامه احیای شاهنشاهی هخامنشی توسط اردوان به نقل از ولسکی خصلتی ضد یونانی داشت. وی می گوید منشأ این امر نه فقط در این واقعیت جستجو کرد که یونانیان ساکن در شهرهای بین النهرین و بابل جانب روم را گرفته و گروه های هوادار بسیار زیادی در این شهرها می زیستند، بلکه باید به کاهش تدریجی عنصر یونانی در این سرزمین ها توجه داشت و همین اردوان را تحریک کرد تا با عزمی استوار مداخله کند

۴- نتیجه گیری

ارمنستان به دلیل جایگاه جغرافیایی و پایگاه راهبردی خود در تاریخ، همواره همچون گذرگاهی برای سیطره بر قفقاز و آناتولی از یک سو و میان رودان و ماورای فرات از سوی دیگر عمل می کرد. ارمنستان به عنوان سرزمینی استراتژیک با جایگاه جغرافیایی ویژه همچون گذرگاهی برای سیطره بر قفقاز و آناتولی از یک سو و میان رودان و داخل ایران از سوی دیگر عمل کرده است. از همین جهت در دوران حکومت اشکانیان از اهمیت فراوانی برای ایران و امپراتوری روم برخوردار بود چرا که هر دو طرف می دانستند که سلطه بر ارمنستان به معنای اعمال نفوذ بر سرزمین های طرف مقابل و نیز حفظ سرزمین های تحت تصرف خود است. به همین علت مساله ارمنستان محور اصلی روابط مابین اشکانیان و روم را شکل داد. از این رو اشکانیان پس از کنار زدن سلوکیان از اریکه قدرت در ایران متوجه ارمنستان شده و در زمان مهرداد دوم بر اوضاع آن مسلط شدند. درگیری های مستمر ایران و روم بر سر ارمنستان در قرن دوم میلادی، در واقع به دلیل گسترش مطامع ارضی بود که رومی ها از سال ها پیش در سیاست توسعه قلمرو خود به سمت شرق در پیش گرفته بودند. هرچند این سیاست پس از مقاومت اشکانیان و انعقاد پیمان راندیا و رویکرد جانب دارانه ارمنستان به ایران عملاً متوقف شد.

نقش پناهنده شدن مهرداد سوم در تهاجم کراسوس به قلمرو اشکانیان در بین النهرین فرهاد سوم دو پسرش به نام های ارد و مهرداد را در سلطنت با خود شریک کرده بود. ولی مهرداد سرشتی بد داشت و رو پدرش را به قتل رساند. در پی این حوادث ارد بر وی شورید که در نتیجه آن مهرداد به سوریه نزد گابینیوس پناهنده شد. تمایل شاهزاده اشکانی که تازه از قدرت خلع شده بود، به رومیان این حدس را بر می آورد که احتمالاً کراسوس قصد داشت مهرداد سوم را به قدرت برساند. لشکر کشی ارمنستان به ایران به دلیل عدم شناخت قدرت نظامی اشکانیان و موقعیت جغرافیایی و طبیعی شاهنشاهی اشکانی به شکست و قتل کراسوس و فرزندش انجامید. در واقع شکست مفتضحانه کراسوس و عدم موفقیت مارک آنتوانی در لشکرکشی خود، معلول فقدان اطلاعات جغرافیایی رومی ها درباره ی امپراتوری شرقی واقع در آن سوی رود فرات بوده است.

یکی از دلایل عمده تسخیر سرزمین های مرزی و ویرانی شهرها توسط امپراتوران رومی پناه دادن برخی از اشخاص یا شاهزادگان توسط

اشکانیان است. به گون های که پادشاه اشکانی با پناه دادن به نرون دورغین زمینه لشکرکشی عظیم تراژان به این را فراهم کرد که در پی آن بسیاری از شهرها و واحه ها تخریب و ویران شدند. همچنین بهانه کاراکالا امپراتوری روم نیز به دلیل پناه دادن دو فیلسوف توسط اردوان چهارم خود زمینه درگیری میان این دو قدرت را مهیا کرده بود. هرچند که شاهنشاه اشکانی برای جلوگیری از هر پیشامدی این دو را به دربار روم فرستاد، لیکن بهانه لشکرکشی گسترده وی به ایران شد، مسئله ای که باز شهرهای سوق الجیشی و مهم بین النهرین که تحت حاکمیت اشکانیان بودند مورد مخاطره قرار گرفتند و عدهای زیادی از آنها تخریب و رو به ویرانی نهادند. از سوی دیگر باید افزود در این لشکرکشی ها به بهانه پناه دادن به شاهزادگان یا شاهان متواری، شهرها و مردمان زیادی ویران و از بین رفتند و جمعیت های گوناگونی نیز دست به مهاجرت زدند.

منابع

- پاسدر ماجیان، هراند، (۱۳۶۶)، تاریخ ارمنستان، ترجمه محمد قاضی، تهران، نشر تاریخ ایران.
- پیرنیا، حسن، (۱۳۸۹)، تاریخ ایران قبل از اسلام، تهران، نشر نیلوفرانه.
- سارگسیان، ک. خ. و دیگران، (۱۳۶۰)، تاریخ ارمنستان ترجمه گرمانیک. ج ۱، بیبا، تهران.
- شپیمان، کلاوس. (۱۳۹۰)، مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، چ سوم، تهران، فرزانه روز.
- شپیمان، کلاوس، (۱۳۸۴)، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ اول، تهران، نشر فرزانه افروز.
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۸۹)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، چ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی.
- فرخ، کاوه، (۱۳۹۰)، سایه های صحرا ایران باستان در جنگ، ترجمه شهربانو صارمی، تهران، ققنوس.
- کالج، مالکوم. (۱۳۸۸)، اشکانیان (پارتیان)، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات هیرمند.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۵)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمود بهفروزی، تهران، جامی.
- لانگ، دیوید (۱۳۸۹)، «ایران، ارمنستان و گرجستان»، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج سوم ق اول، چ ششم، تهران، امیرکبیر.
- ورستاندیک، آندره. (۱۳۸۶)، تاریخ امپراطوری اشکانیان، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: انتشارات جامی.
- وزین، افضل، مهدی. (۱۳۹۲)، تاریخ ایران باستان نشر ایران، پژوهش، چاپ پنجم، تهران.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۳)، شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات ققنوس.
- میرحسینی، سیدمرتضی (۱۳۹۲)، اشکانیان در نخستین جنگ ایران و روم (جنگ حران)، انتشارات کتاب کوله پستی.

استناد:

کیان پیشه، حوریه، کامرانی فر، احمد، بوشاسب گیشه، فیض الله. تاثیر مسئله ارمنستان و پناهندگی اشراف زادگان اشکانی و رومی در مناقشات جغرافیایی ایران و روم (با نگاهی به مطالعات جدید). فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران 1404،

<http://doi.org/10.30510/pssci.2025.476402.1065>

- Bivar, A.D.H (2004), "Gorgan v. Pre-Islamic History", in E.Yarshater (ed.), Encyclopaedia Iranica. Vol. XI, (New York) 2, pp. 161.
- Dąbrowa, Edward (2017), "Tacitus on the Parthians", ELECTRUM Vol. 24 Jagiellonian University in Kraków.
- Debevoise, N. C. (1983). A Political History of Parthia. Chicago. University of Chicago Press.
- Debevoise, Nilsson (1963), The Political History of Parthia, Translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran, Ibn Sina Library.
- Dio Cassius (1955) "Roman History", english translation by Earnest Cary, Loeb Classical Library, Harvard University, vol. 5,6,7,8,9.
- Garsoian, N (1997) "Armeno-Iranian Relations in the Pre-Islamic period", in E.Yarshater (ed.), Encyclopaedia Iranica, online, <http://www.iranicaonline.org>
- Gearshman, Roman (1386), "From the Seleucid Rise to the Fall of the Parthians", Ancient Iran, Translated by Yaghoob Ajand, Tehran, Molly Publishing.
- Gothamshid, (1977), The History of Iran and Its Neighboring Countries from Alexander to the Parthian Extinction, Kikaus Jahandari's Translation, Tehran, Book Publishing and Publishing Company.
- Josephus. Flavius (1934), Antiquities of the Jews, translated by William Whiston. Brigham Young University, New York.

- Kryśkiewicz, H.(2017), "The Parthians in the Ist c. B.C. a worthy enemy of Rome? Remarks on the issue of Roman-Parthian political conflict in the ending period of existence of the Roman Republic, and on its influence on Roman imperial ideology", Institute of History and International Relations University of Szczecin, Poland.
- Olbrycht, M.J .(2016)," Germanicus, Artabanos II of Parthia, and Zeno Artaxias in Armenia", This paper was written as part of the author's research project financed by the National Science Centre, Kraków.
- Ostrowski, J. A.(2005), Między Bosforem a Eufratem. Azja Mniejsza od śmierci Aleksandra Wielkiego do najazdu Turków seldżuckich, Wrocław.
- Pirnia, H (2010), History of Ancient Iran, Tehran, Look.
- Plutarch (1932), "Parallel Lives", English translation by Bernadotte Perrin, Loeb Classical Library, Harvard University, vol. 2,3,5,9
- Plutarch, (1964), The Life of Named Men, Translated by Reza Mashayekhi, Tehran, Book Publishing and Publishing Company.
- Rajabi, P, (2008), The Lost Hazaras (Parthians), Tehran, Phoenix.
- Reinhold, M.(1988), From Republic to Principate. An Historical Commentary on Cassius Dio's Roman History Books 49-52 (36-29 B.C.).
- Rostovtzeff.M., (1960), Rome, Oxford University press.
- SHELDON, R M. (1997), "True Ancient Imperative: 1 Clandestine Operations and Covert Action", JOURNAL OF INTELLIGENCE I.
- Shipman, Claus (2005), Parthian History, Translated by Houshang Sadeghi, Tehran, Farzan Rooz.
- Tacitus, 1959, The Annals and the History, Translated by Alfred John Church and William Jackson, university Chicago.
- Vakili, Sherwin (2014), Parthian Political History, Tehran, Shour Afarin Publishing.
- Van-Wijlik, Margar,(2013)," Rome and near eastern kingdom and Pricipalities, 44-31 BC" A study of political relations during civil war
- Wijlik, Margar,(2013)," Rome and near eastern kingdom and Pricipalities, 44-31 BC" A study of political relations during civil war
- Wolski J. Shāhanshāhī Ashkānī.(2004), Translated by: Murtidā Thākībfar. Tehran: Ḳuḳnūs.